

مدیریت جهادی

در بیان زدایی

نهیست

محمد سجاد شویان

سرشناسه	: شوقیان، محمدسجاد، ۱۳۷۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: مدیریت جهادی در بیابان زدایی / نویسنده محمدسجاد شوقیان.
مشخصات نشر	: تهران : ایرانا رسانه، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۷۵ ص.: مصور، جدول.
شابک	: 978-600-7227-62-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: بیابان زدایی -- ایران
موضوع	: Desert reclamation -- Iran
موضوع	: صحرا و بیابان -- ایران
موضوع	: Wilderness areas -- Iran
رده ی کنگره	: ۱۳۹۷ م۴۹ش / ۶۱۳
رده بند، دیوب	: ۶۳۱/۶
شماره کتابخانه ای	: ۵۵۹۰۸۷۶

عنوان: مدیریت جهادی در بیابان زدایی	نوبت چاپ: اول
نویسنده: محمدسجاد شوقیان	شمارگان: ۱۰۰ نسخه
ناشر: ایرانا رسانه	شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۲۷-۶۲-۶
سال نشر: ۱۳۹۸	ISBN: 978-600-7227-62-6



نشانی: خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، تقاص خ باز، بافی نژاد،
 پلاک ۱۸۲، ط ۳ تلفن: ۲۲۳۳۲۲۸۹۳-۲۲۳۲۷۰۵۷ دورنگار ۵۱-۲۶۳۰۰۰۰۰
 همراه: ۰۹۱۲۴۳۰۱۳۴۹ - ۰۹۱۲۱۳۰۲۹۵۸

کانال: @iranarasane

فهرست

۶		مقدمه
۲۹		فصل اول
۳۵		فصل دوم
۵۳		فصل سوم
۶۳		فصل چهارم

مقدمه

حضور، حتره سرو، ارجمند،

با سلام و صلوات بر محمد و آل محمد و با درود بر روح والای امام
مستضعفان و جهادگران، خدمت حضرتعالی و همه سربازان گمنام
امام زمان (عج) در مجموعۀ سرنام عرض ادب
و احترام می‌دارم.

اینجانب محمدسجاد شوقیان بعنوان قطر نوح و کم‌تجربه‌ای در
دریای عظیم مجاهدت‌ها و محرومیت‌زدایی‌دهی شما و یاران
همیشه در صحنه‌تان، توفیق حضور و هم‌رکابی با شما و خاصیت به
مردم سرافراز و عزتمند سیستان را در چند سال اخیر داشته‌ام و این
سعادت که نصیب این حقیر شد، مرا بر آن داشت تا نسبت به
معضلات مردم منطقه اندیشه کرده و ریشه جمیع مشکلاتی که در

زیر به آن اشاره می‌کنم را به نوعی متصل یا مرتبط یا متأثر از بیابانی‌شدن و بیابان‌زایی استان سیستان و بلوچستان می‌دانم:

۱- مهاجرت مردم استان به شهرها و استان‌های همجوار و

تخلیه روستاها و مشکلات امنیتی

۲- محرومیت‌های بیکاری و نبود مشاغل مناسب

۳- فقر و بی‌سوادی

۴- نبود امکانات اولیه شهری و دسترسی سخت و امکانات

آموزشی و مذهبی، مسجد و مشکلات عمرانی

۵- تغییر ترکیب جمعیتی شیعه و سنی

۶- مشکلات ازدواج جوانان، تهیه ملزومات ازدواج جوانان از

قبیل جهیزیه و مسکن و ...

موارد بسیار زیادی که به ذهن این حقیر می‌رسد و شما بهتر از بنده می‌دانید. اما همین موارد بالا به شدت به یکدیگر مرتبط بوده و هر یک می‌تواند محصول یا معلول دیگری باشد.

بطور مثال دلیل مهاجرت یک جوان سیستانی در درجه اول نبود کار است و این جوان به دلیل محرومیت از تحصیل آموزش هم ندیده و از طرفی نیاز به ازدواج داشته اما توان تأمین معاش یا تهیه مسکن

ندارد و ... همانطور که مشاهده می‌کنید فقر و بی‌سوادی علت و معلول یکدیگر گشته و این سوال ذهن مرا درگیر کرده که به راستی چرا در استانی که زمانی انبار غله ایران محسوب می‌شده باید شاهد چنین وضع اسفباری از نظر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی باشیم؟ چه چیز ما را بر آن داشته که دست به جهاد عمرانی - جهاد علمی - جهاد فرهنگی - جهاد کارآفرینی - جهاد بهداشتی و پزشکی بزنیم و با وجود موقعیت‌هایی که کسب کرده‌ایم.

اما؛

هنوز نتوانسته‌ایم شکست منطقه را مهار کنیم و وضع مردم این خطه روز به روز بدتر شده و ... اما خالی از سکنه گشته‌اند؟ به راستی انجام این حجم از اقدامات جهادی در کشوری که رتبه نخست بزرگترین ذخایر نفت و گاز و معادن جهان را دارا می‌باشد و در گذرگاه انرژی جهان قرار گرفته نشان از بی‌کفایتی مدیران و دستگاه‌های تامین‌کننده ندارد؟

آیا مردم سیستان به سبب دوری از پایتخت از حقوق شهروندی کمتری در قانون اساسی و مدنی ایران برخوردار هستند؟

عدم توزیع صحیح ثروت در کشور و عدم کنترل بحران آب در این منطقه آیا خود بزرگترین سند بی‌کفایتی مسئولین نیست؟

چند سال دیگر باید بخاطر دل رهبر و خشنودی امام زمان و به عشق ظهور حضرت ولیعصر (عج ارواحنا له الفدا) به این وضع ادامه داد؟

وقت‌ر داشتم این سوال‌ها را از خویش می‌پرسیدم و پاسخ می‌گفتم به این نکته رسیدم که اگر به ریشه این موضوع پرداخته می‌شد چنین نتیجه‌ای حاصل نمی‌شد!
متوجه شدم که:

آیا اساساً انجام این همه اقدامات، بهادی در منطقه‌ای که جای مناسبی برای زندگی نیست و بعنوان آلودترین شهر جهان و منطقه جهان از نظر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، مورد کوه‌شناخته شده، کار صحیحی است؟

اگر منطقه‌ای "جای مناسبی برای زندگی نباشد" مستأثر در آن مسجد ساخت؟ مدرسه ساخت؟ شغل ایجاد کرد؟

یا؛

قبل از این اقدامات باید جایی برای زیستن پیدا / ایجاد کنیم؟

برای تقریب ذهن عبارت دیگر باید بگوییم:

آیا کسی حاضر است در مکانی که کم‌آبی مزرعه‌اش را خشکانده - خشک شدن بحر هامون صیادان را که تنها مهارتشان صیادی بوده بیکار کرده - شن‌های روان و طوفان‌های ۱۲۰ روزه با سرعت حداقل ۷۰ کیلومتر می‌وزد و خانه و اطراف آن را در بر گرفته و این طوفان شن بینایی زن و فرزندانش را تهدید می‌کند و دچار مشکلات ریوی شده و سیر در و درمان گشته و خشکسالی و کم‌آبی و هوای گرم و بد دارد؟

آیا حاضر است در این مدتی که شما مسجد ساخته‌اید نماز بخواند؟
آیا حاضر است در جایی که سلامت ریه و چشم فرزندانش تهدید می‌شود و در مدرسه‌ای که شما ساخته‌اید درس بخواند؟
آیا حاضر است همسرش در کارگاه قالی‌بافی شما کار کند و کمک خرج باشد؟

یا ترجیح می‌دهد برای کارگری به کرمان یا خراسان شمالی رفته و فرزندانش در امنیت باشند و همسرش هم در آن مکان به قالی‌بافی پردازد؟

همه دوست دارند در جایی زندگی کنند که شرایط زیستن داشته باشد و سلامتی آنها تهدید نشود.

دلیلی ندارد در یک جای خشک و بی آب و علف و بیابانی و بد آب و هوا زندگی کنند وقتی دینشان به آنها اجازه مهاجرت داده همانطور که مسلمانان در صدر اسلام به حبشه مهاجرت کردند و با مهاجرانشان باعث پیشرفت وضع زندگیشان شدند!

من خودم را حال یک جوان سیستانی می گذارم و به خود می گویم آیا حاضری در سیستان کار کنی و حقوق ماهی ۵۰ میلیون تومان داشته باشی ولی گرد و خاک را در ریه خود و همسر و فرزندان تحمل کنی؟ بیناییات را از دست بدهی؟ و در آلوده ترین شهر جهان زندگی کنی و از آب آلوده استفاده کنی؟ و فرزندان هم در این جای بسیار بد آب و هوا و گرم و خشک زندگی کنند؟ و در عوض مدرسه و مسجد دارید و کارآفرینی هم که نریدیم و دلخوش به این ها باشید؟

آیا کسی حاضر است این کار را بکند؟

یا ترجیح می‌دهد زمین خشک و بی آب و علف خود و دام و گوسفندان خود را به قیمت ناچیزی بفروشد یا رها کند و به مکان بهتری مهاجرت کند؟

حالا که آبی نیست و آسمان بخیل گشته و کشور افغانستان با افتامات غیرقانونی سدسازی و عدم پرداخت حق آب و بستن آب منجر به خشکسالی شده و این خشکسالی‌های پی‌درپی منجر به شوری خاک و فرسایش خاک گشته و خاک فقیر شده و نمی‌توان در آن حتی کنام دیمی کاشت، با بحران ریزگردهای دریاچه هامون و سدهای چاه نیمه چه کنیم؟

اینطور که به نظر می‌رسد خشکسالی که بنده تشریح کردم فعلاً قابل تغییر نیست و یا به سختی ممکن است.

به راستی باید چه کار کرد؟ آیا می‌توان در جایی که آبی نیست اقدام به جنگل‌کاری و بیابان‌زدایی کرد؟

آیا می‌توان از طریق بیابان‌زدایی هم ایجاد اشتغال و درآمد کرد و هم اکوسیستم منطقه و سطح دما و رطوبت و کیفیت خاک و ... را بهبود داد؟ (پاسخ این پرسش هدف مقاله بنده است، درآمدزایی از

طریق بیابان‌زدایی)

مدیریت صحیح منابع کم آب - مدیریت، مهار و ذخیره سازی سیلاب
- بیابان زدایی هر سه طرح هایی هستند که در ادامه به آنها اشاره
خواهم کرد، قبل از هر چیز لازم است تا چند واژه را تعریف کرده و
نسبت به شرایط عمومی منطقه کشورمان آگاه باشیم:

بیابان زایی نوعی از تخریب زمین است که در آن منطقه ای با
زمین های تقریباً خشک، به طور فزاینده ای خشک و لمیزرع می شود،
معمولاً چنین منطقه ای آب، پوشش گیاهی و حیات وحش را از
دست می دهد. عوامل گوناگونی مانند تغییر اقلیم و فعالیت های
انسانی در این باره موثرند. بیابانی شدن یکی از مسائل قابل
ملاحظه بوم شناسی و زیست محیطی در جهان است.

بیابان زدایی کارها و روش هایی است که برای سبزه کاری در بیابان و
جلوگیری از روند شتابناک تخریب سرزمین در مناطق خشک،
نیمه خشک و نیمه مرطوب انجام می شود.

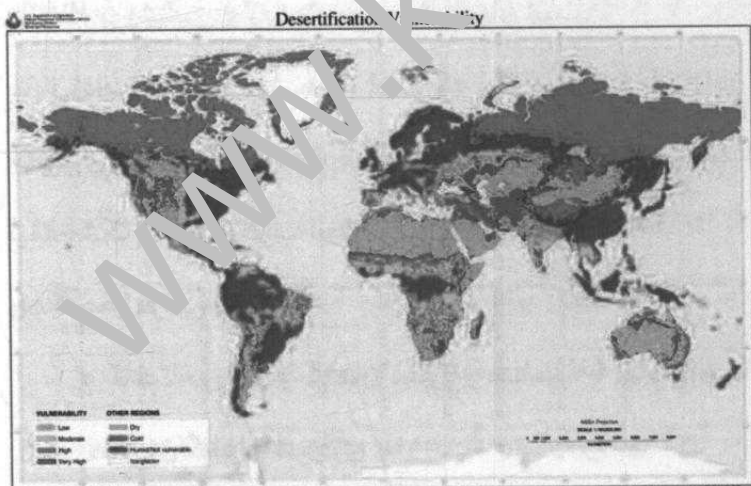
راهکارهای فرضی ما:

- کاشت درختان و گیاهان مقاوم و متناسب با مناطق خشک

همچون گیاهان شورهزی

- بهره گیری از روش های کارآ در انباشتن آب باران

همانطور که می‌دانید میانگین سالانه ریزش باران در بیابان‌های ایران کمتر از ۵۰ میلیمتر می‌باشد و میانگین سالانه ریزش باران در کل کشور به ۳۲۰ میلیمتر در سال می‌رسد. بیابان‌ها و مناطق بیابانی بر روی هم ۳۴ میلیون هکتار از اراضی ایران را در بر می‌گیرند و ۱۲ میلیون هکتار نیز ماسه‌ای بوده یا از شن و ریگ روان پوشیده شده است. بارندگی در ایران یک سوم میانگین بارندگی جهانی است در حالی که به دلیل قرار گرفتن بر روی کمربند خشکی جهان تبخیر آب ۳ برابر میانگین جهانی است.



قبل از هر چیز و قبل از ارائه طرح، توجه شما را به یک گزارش که کلید واژه‌های آنرا برایتان زرد رنگ کرده‌ام - از روزنامه جام جم مربوط به تاریخ یکشنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۶ جلب می‌کنم:

اعضای یک شرکت تعاونی در زرین‌دشت فارس زمین‌های بیابانی را

با هزینه شخصی سبز می‌کنند:

۸ نفر علیه بیابان

می‌گویند قتی خوشه‌های گندم و جو زیر تابش سخاوتمندانه آفتاب، زرد می‌شوند ررین‌دشت بکارچه طلاست. برای همین است که نامش را گذاشته‌اند زرین‌دست.

